

## تأثیر لحن بر ساخت فضاهای شعری با مضمون انتظار (مطالعه موردی): طاهره صفارزاده\*

علی اکبر کمالی نهاد<sup>۱</sup>

سیده مریم ایزدی دهکردی<sup>۲</sup>

شهریارشادی گو<sup>۳</sup>

### چکیده

در جهان معاصر جایگاه شعر با مضمون انتظار، به عنوان یک هنر ناب و رفیع مورد توجه بسیاری از شاعران قرار گرفته و این گونه اشعار از اعماق دل و جان آنها ریشه می‌گیرد. تا حدی که مخاطبان فراوانی را به سمت خود کشانده و پژوهشگران را نیز به واکاوی و بررسی چنین اشعاری سوق می‌دهد؛ نگارندگان تحقیق حاضر با تحلیل و بررسی اشعار طاهره صفارزاده، بانوی شاعر معاصر، در پی پاسخ به این سؤال هستند که چگونه لحن بر ساخت فضاهای شعری با مضمون انتظار ایشان تأثیر گذاشته است. این مقاله رهیافتی توصیفی-تحلیلی و رویکردی کیفی دارد و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای سامان یافته است. صفارزاده شاعری خوش فکر و با اندیشه‌های ناب دینی است که با زبانی روشن و بیانی سرشار از احساس، با لحنی مذهبی و محتوایی دینی با مخاطب خود ارتباط برقرار کرده است. او با توجه به مکتب عدالت محور امام زمان علیه السلام، برابری، یکسانی، عدالت و مترادفات آنها را در کلام خوش نشانده و به زیبایی بیان کرده است.

### واژگان کلیدی

لحن، فضای شعر، انتظار، صفارزاده.

\* تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۸

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (alikalami@cfu.ac.ir).

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه هنر اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) (sm.izadi@au.ac.ir).

۳. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (kamyar137884@gmail.com).

فضاسازی شاعرانه، هنری است که تسلط بر آن، احتیاج به تجربه و مهارت بسیار در فنون سرایندگی و دانش‌های شعری دارد. شاعری که شعر عاشقانه می‌گوید یا شعر حماسی می‌سراید و آن کس که مرثیه سُراست، همگی برای خلق و ایجاد فضاهای احساسی و عاشقانه، جنگ و ستیز و غم و اندوه، نیاز به خلق محیطی دارند که بتوانند احساس و اندیشه خود را آن‌گونه که هست، انتقال دهند. خلق فضا تأثیر شگرفی در موفقیت شعر دارد. شاعرانی چون شاملو که در این زمینه موفق هستند، مهم‌ترین عامل تفاوت شعرهای شان با دیگران در این است که خلاقیت فضا را توانسته‌اند نشان دهند. بارها شده است که هنگام خواندن شعری، بگوییم این شعر فضایی غمگین، یأس‌آلود و اندوه‌بار یا فضایی شاد، اسطوره‌ای، رمانتیک و... دارد. بدون توجه به مؤلفه‌هایی که این فضا را ایجاد می‌کنند، ما ناخودآگاه حال و هوای شعر را می‌شناسیم؛ اما باید دانست که شاعر در سرودن شعر به چه چیزهایی توجه کرده و کدام مؤلفه‌ها را به کار گرفته که چنین فضاهایی در ذهن ما ایجاد شده است؟

فضا معمولاً محیط کلی و حاکم بر شعراست و از خواندن بخش‌هایی از شعر یا همه آن احساس می‌شود و مجموعه‌ای از عناصر سازنده شعر مانند: موسیقی، تصاویر، واژگان، لحن، توصیف، اندیشه و... در ساخت فضا نقش دارند. گاهی یکی از این عناصر برجستگی بیشتری دارد و گاهی از مجموع آنها فضا به وجود می‌آید. اگر پیوند و هماهنگی کاملی بین این عناصر برقرار نباشد یا به تعبیری دیگر، یکی از این عناصر فضایی به وجود آورد که با دیگر عناصر تضاد داشته باشد، فضا پریشان می‌شود و در نتیجه انتقال عاطفه به مخاطب به خوبی انجام نمی‌گیرد.

با همه اهمیتی که لحن در انتقال احساس و شکل‌گیری کلام و ایجاد فضای شاعرانه دارد، در تعاریف و بحث‌هایی که از شعرا ارائه شده است، اشاره روشنی به آن دیده نمی‌شود؛ اما می‌توان گفت پیوسته مورد توجه شاعران بوده و ردپای آن را در اشعار موفق و آثار شاعران بزرگ به خوبی می‌توان دید. «لحن» عنصری است که با استفاده از آن شاعر می‌تواند فضای مورد نظر خود را به مخاطب القا کند. شکل لحن به میزان زیادی بستگی به نوع زبان و کلمات و ترکیبات شعر دارد. بر این اساس چگونگی ایراد سخن نقش عمده‌ای در ساخت فضای شعر دارد. این عنصر فضاساز در مجموعه‌های آخر صفارزاده

به گونه‌ای مشهودتر بروز یافته است. علت این امر آن است که هرچه شعر صفارزاده به سمت جلو پیش می‌رود، به میزان زیادی از پیچیدگی آن کاسته می‌شود و شعرش حالت شعارگونه‌گی می‌یابد و بیان آن ساده‌تر و پخته‌تر می‌شود. در نتیجه زبان و عناصر مربوط به آن از جمله لحن بخشی از شعر، نقش پررنگ‌تری در فضا سازی ایفا می‌کنند.

هدف اصلی این پژوهش: تأثیر لحن بر ساخت فضاهای شعری با مضمون انتظار (مطالعه موردی: طاهره صفارزاده) است، و نیز پاسخی است به سؤالات زیر:  
- صفارزاده چگونه از لحن برای ساخت فضای شعری خود بهره‌مند شده است؟  
- لحن اشعار با محتوای انتظار او چگونه است؟

### پیشینه بحث

بیشتر پژوهش‌هایی که در حوزه فضا سازی و عوامل ایجاد فضاهای خیال‌انگیز در سخن انجام گرفته‌اند، در حیطه داستان و فضا سازی داستانی است. میرصادقی در کتاب *عناصر داستان*، فضا سازی را به عنوان یکی از عناصر داستان معرفی می‌کند. مقالاتی نیز این عنصر را در داستان‌های مختلف بررسی کرده‌اند؛ از آن جمله مقاله «لحن و فضا سازی در رمان زیبا، نوشته محمد حجازی» از ناهید چگینی و «شاعرانگی فضا در "من ژانت نیستم" با نگاهی به مفهوم مکان‌کاوی گاستن باشلار» (دوستی، ۱۳۹۱: ۴۸-۵۲)؛ در حوزه هنر سینما نیز «فضا سازی شاعرانه در اثر هنری» تأثیر فضا سازی را در آفرینش فیلم شاعرانه بررسی کرده است (فرشته حکمت، ۱۳۸۹: ۳۷-۵۰)؛ اما در حوزه شعر و ساخت فضاهای شعری و مؤلفه‌های سازنده آنها پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. تنها در موردی ضمن بررسی تصاویر شعر سپید، اشاره کوتاهی به فضا سازی در آن شده بود (طاهری و رحمانی، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۴) در مورد زندگی، شعر و اندیشه صفارزاده نیز تحقیقات فراوانی انجام گرفته‌اند و آثاری چون: «نبضم را بگیر، مهمه بودن دارد» از منیژه آرمین و فاطمه ابراهیمی، «تجلی مضامین اعتقادی در شعر طاهره صفارزاده» از یونس شجاعی و فاطمه مدرسی و...، منتشر گردیده‌اند؛ اما از منظر موضوع خاص این مقاله یعنی تأثیر لحن بر ساخت فضاهای شعری با مضمون انتظار به ویژه در شعر صفارزاده، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نگرفته است.

## فضا و اهمیت و نقش آن در انسجام و تأثیرگذاری شعر

شعر و سخن شاعرانه نیز چون بسیاری دیگر از موضوعات و مسائلی که انسان به آنها فکر می‌کند یا در خیال خود می‌پروراند، دارای فضایی است. فضا وجود مادی ندارد؛ ولی این قابلیت را دارد که در وجود خود عناصری مادی یا معنوی را جای دهد. انسان تنها زمانی قادر است حالتی خاص، مثلاً ناراحتی یا خوشحالی را به فردی دیگر منتقل نماید که فضایی غمگین یا شاد ایجاد کرده باشد و این فضا نیز توسط دیگران قابل درک باشد. فضا را می‌توان به عنوان وسیله‌ای در نظر گرفت تا انسان‌ها از طریق آن عواطف، احساسات، تفکرات و اندیشه‌های خود را بهتر و مؤثرتر به دیگران منتقل نمایند؛ تا انسانی نتواند فضای ذهن خود را که در قالب تفکر یا احساسی خاص به وجود آمده، به تصویر بکشد، هیچ فرد دیگری نمی‌تواند آن را درک نماید. تمامی هنرها وجود خود را از طریق ایجاد فضا به دست آورده‌اند؛ فضایی که هنرمند با نگرشی خاص نسبت به دنیای پیرامون خود آن را خلق کرده است.

هنگام خواندن شعریا در پایان آن، حس می‌کنیم در دنیای خاصی وارد شده‌ایم و حالت خاصی به ما القا شده است. در واقع شعر فضایی ایجاد کرده که هنگام خواندن، ما را در خود جای داده است. فضا از عوامل شکل‌دهنده شعر است و حال و هوایی ایجاد می‌کند که کلیت شعر در آن جای می‌گیرد. در شکل‌گیری معنا و انتقال آن در هراتر منسجمی، فضا سازی نقشی مؤثر دارد. یک شعر خوب به گونه‌ای است که بین عناصر تشکیل دهنده آن وحدت و یکپارچگی ایجاد شده باشد؛ به گونه‌ای که هر عنصر، عنصر دیگری را به خود جذب کند و در فضایی منسجم و یکپارچه به پیش رود.

فضا یا «اتم‌سفر از علم هواشناسی به وام گرفته شده است و در اصطلاح ادبیات و هنر به تأثیر اثر ادبی یا هنری مربوط می‌شود. در ادبیات، فضا و رنگ با حالت مسلط با هر مجموعه‌ای سروکار دارند که از صحنه، توصیف و گفت‌وگو تشکیل می‌شود و علاوه بر جزئیات جسمانی و روانی آن مجموعه، تأثیر مفروض بر خواننده را هم در بر می‌گیرد» (داد، ۱۳۸۰: ۳۶۱). فضای شعر خلق محیطی شاعرانه است که در آن عناصر شعری ساز چنان به هم آمیخته‌اند که تفکیک آنها از یکدیگر امکان پذیر نیست.

## عناصر سازنده فضا در شعر

در بررسی عوامل مؤثر بر ساخت، شکل‌گیری و موفقیت شعر، یکی از عمده‌ترین عوامل را می‌توان فضا سازی دانست و در تحلیل فضاهای شعری و عناصر سازنده آنها می‌توان گفت که در شعر کلاسیک وزن و بسیاری اوقات ردیف یا مؤلفه‌های دیگر به ایجاد این فضا کمک می‌کنند. وزن‌هایی که غم را انتقال می‌دهند، سنگینی خاصی دارند و وزن‌های حماسی نیز که هیجان را تعریف می‌کنند، این‌گونه‌اند؛ وزن‌های عاشقانه هم که سماع عشق را دف می‌زنند، جای خودشان را دارند. شاعر شعر کلاسیک بسیاری از اوقات با انتخاب وزن، از قبل، فضای شعرش را انتخاب کرده است. شعر عاشقانه باید در فضایی عاشقانه قرار بگیرد تا احساس و اندیشه‌ای عاشقانه را منتقل کند. بسیاری از مرثیه‌سرایان به این دلیل در خلق مرثیه‌ها موفق نبوده‌اند که نتوانسته‌اند اندوه مرگ را انتقال دهند؛ چون در خلق فضای اندوه، به دلیل عدم توانایی در فضا سازی قدرتمند، موفق نبوده‌اند.

تسلط بر این معنا، علاوه بر استعداد و علم و تجربه شاعرانگی، نیازمند «آن شاعرانه» ای است که بتواند فضا را آن‌گونه ترسیم کند که مخاطب خود را در فضا سازی شاعر دخیل بداند و آن فضا را تنفس کند. یک شعر عاشقانه اگر در فضا سازی موفق باشد، بی‌تردید حس عاشقانه را در مخاطب برمی‌انگیزاند.

فضای موسیقایی شعر با تناسب‌ها شکل می‌گیرد و قدرت شاعر در آوردن و کنار هم چیدن واژگان و هجاها و رعایت تناسب‌های واژگانی، معنایی، موسیقایی و... در ایجاد فضای شعر نقش اصلی را دارد. تناسب در آوردن بخش‌ها و اجزای شعر، چه در محور همنشینی و چه در محور جانشینی، هارمونی مناسبی به آن می‌دهد که در کل کلام و در سطح وسیع تر ساخت کلی و فضای حاکم بر اثر را می‌سازد.

با این مقدمات، می‌توان گفت فضای شاعرانه با مجموعه‌ای از عوامل ساخته، پرداخته و ایجاد می‌شود که متنوع و پیچیده‌اند و از جمع آنها این هنرمندی و تأثیرگذاری کلام هنری شکل می‌گیرد؛ عواملی مثل: وصف، تصویر، روایت، واژگان، لحن، عاطفه و... که از این میان، نقش لحن را در ساخت فضای شعری طاهره صفارزاده - به‌ویژه در اشعار مرتبط با موضوع انتظار - اوبررسی خواهیم کرد.

## لحن و انواع آن

لحن، در لغت، به معانی مختلفی به کار رفته است؛ از جمله: آواز خواندن، میل کردن به کسی، سربسته سخن گفتن و تعریض کردن در سخن، هم چنین به معنی آواز، آواز خوش و موزون و یا آهنگ و صوت است و امروزه این واژه در اصطلاح ادبی معادل واژه انگلیسی «tone» به کار می‌رود. لحن از عوامل و مؤلفه‌هایی است که شاعر از آن در انتقال عاطفه و تجربیات خویش بهره می‌برد. شاعر برای این که بتواند همان احساس یا تجربه‌ای را که به او دست داده، به مخاطب منتقل نماید یا همان انتظار عاطفی را که از مخاطب دارد، بدان برسد، از لحن بهره می‌برد. در مقابل، خواننده نیز باید سخن شاعر را با همان لحنی که منظور او بوده، بخواند و دریافت نماید تا به همان احساس، عاطفه یا تجربه‌ای که شاعر در نظر داشته، دست یابد.

لحن شیوه بیان هر شخصیت است که بیانگر تجربیات شخصی، اجتماعی و روحیات و عواطف درونی اوست. بنابراین لحن بیشتر با عواطف سروکار دارد و مخاطبان از طریق لحن کلام گوینده متوجه می‌شوند او چه رفتار احساسی‌ای به آنان دارد. می‌توان گفت: لحن برجسی از احساسات و عواطف است که گوینده بر کلام خود می‌زند. توفیق گوینده زمانی حاصل می‌شود که بتواند لحن مناسب برای موضوع کلام خود برگزیند. در گفتار، لحن با تغییر صدا، مکث‌ها و کشش‌ها و... تجلی پیدا می‌کند؛ اما در نوشتار، فقط کلمات و البته نشانه‌های نوشتاری‌اند که لحن شخصیت‌ها را منتقل می‌کنند. به بیان دیگر، «وقتی گوینده با کم و زیاد کردن صدا، تند و کند گفتن عبارات و مکث‌های به جا، شنونده را از پرسشی، عاطفی یا امری بودن جملات و غم، شادی، حسرت و نفرت آفریننده متن به چیزی مطلع کند، از لحن استفاده کرده است. تن صدا نیز با نوع لحن ارتباطی مستقیم دارد (کمالی نهاد، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

باید دانست که انواع لحن متناسب با موضوع و درون مایه کلام، بسیار متنوع و پر دامنه است. هنگام خواندن و به تلفظ در آوردن متن، هر متن یا بند یا حتی هر جمله لحن خاص خود را می‌طلبد؛ یعنی موضوع متن لحن خوانش آن را معین می‌کند. تقسیم‌بندی لحن‌ها متعدد و متنوع است. مهم‌ترین و رایج‌ترین انواع لحن‌ها در زبان فارسی را می‌توان لحن‌های: ستایشی، حماسی، غنایی، کودکانه، داستانی، تعلیمی، مناجات، توصیفی، طنز و... دانست.

## نقش لحن در فضاسازی شعر

نویسنده از طریق آهنگ و موسیقی کلمه در جمله، ساختمان جمله در کلام، استفاده از نمادها، استعاره‌ها، تشبیهات، ضرب‌المثل‌ها و... لحن خاصی را به وجود می‌آورد و به وسیله آن، مقصود مورد نظر خود را به خواننده منتقل می‌کند. «لحن یعنی این‌که نویسنده حضور مستقیم خود را از نثر بیرون بکشانند و با اختیار کردن لحن مناسب با فضا و موقعیت و شخصیت و موضوع داستان، به نثر تصویری دست یابد. در این حالت لحن نویسنده، متناسب با آنچه داستان می‌طلبد، می‌تواند موقر و آرام، طنزآمیز، کنایه‌ای، فروتنانه، عاشقانه، شجاعانه، بی‌طرفانه، سرد و مأیوسانه، بی‌اعتنا، محبت‌آمیز یا شوخ و صمیمانه و... باشد» (فتاحی، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

به طور خلاصه لحن نوع نگرش و احساس سراینده یا نویسنده نسبت به محتوای سروده یا نوشته‌اش است که با به کارگیری آن انتظار دارد شنونده یا خواننده‌اش نیز به احساس یا نگرشی شبیه او دست یابد و حاصل و نتیجه عوامل و عناصری چند است که برخی از این عناصر عوامل ساخت فضای شعر هستند. «آنچه که لحن موجود در اثر را می‌رساند، می‌تواند زبان، معنی، موسیقی و... باشد. نویسنده [یا شاعر] از همه اینها برای ایجاد لحن اثر استفاده می‌کند. تنظیم و ترکیب کلمات و جمله‌ها، انتخاب لغات، آهنگ و ساختمان جمله‌ها، تشبیه‌ها، استعاره‌ها، نمادها، نشانه‌ها، عبارت‌های ادبی و تاریخی همه می‌توانند در ایجاد لحن مؤثر باشند. بر منتقد است تا حین بررسی لحن اثر این عوامل را مدنظر داشته باشد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۱: ۸۱).

با توجه به اهمیتی که لحن در انتقال احساسات و عواطف و ایجاد فضاهای شاعرانه دارد و با نظریه نقش‌های زیباشناختی که می‌تواند در شعر داشته باشد، «همیشه به عنوان یکی از ارکان اساسی شعر مورد توجه بوده و شعرا متناسب با موضوعات گوناگون، از انواع مختلف آن از قبیل عارفانه، عاشقانه، زندانه، زیرکانه، ستایش‌آمیز، حق به جانب، تفاسخ‌آمیز، خطابی، صادقانه، احمقانه یا ساده‌لوحانه، تحقیرآمیز، التماس‌گونه، استدلالی، خرافاتی، بحرانی، هیجانی، رقت‌انگیز، غافلگیرکننده و غیره بهره برده‌اند» (عمرانیپور، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

## طاهره صفارزاده

طاهره صفارزاده، شاعر، نویسنده، محقق و مترجم متعهد معاصر در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در سیرجان در خانواده‌ای متوسط، با نگرش و رفتاری عرفانی و روحیه‌ای ستم‌ستیز چشم به جهان گشود. پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به خارج از ایران رفت و ضمن تحصیل در حوزه‌های نقد ادبی و نقد عملی موفق به کسب درجهٔ mfa شد. پس از بازگشت به ایران، همزمان با شاعری، به تدریس در دانشگاه و ترجمهٔ آثار مختلف مشغول شد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۶). وی در سال ۲۰۰۶ میلادی از سوی سازمان نویسندگان آفریقا و آسیا به عنوان شاعر مبارز وزن نخبه و دانشمند مسلمان برگزیده شد. در حوزهٔ تألیف و ترجمه افزون بر مقالات و مصاحبه‌های علمی، ادبی، دینی و اجتماعی از صفارزاده یک مجموعه داستان، ۱۲ مجموعه شعر، چهارگزیده اشعار و ۱۲ اثر ترجمه یا دربارهٔ نقد منتشر شده است.

صفارزاده یکی از شاعران نواندیش شعر معاصر محسوب می‌شود که دربارهٔ شعرش کمتر بحث و بررسی شده است و درصد بسیار کمی از نقد و نظر ناقدان را به خود اختصاص داده است. در محدود نقدهایی که در خصوص اشعار صفارزاده نوشته شده، عنصر غالب در شعرا و را اندیشه معرفی کرده‌اند. صفارزاده در مورد لزوم بازتاب اندیشه در شعر می‌گوید:

به عقیده من شاعر با برخورداری از نفوذ کلام، وظیفه‌اش روشنگری است که مایهٔ اصلی آن در ذات اندیشه و اندیشیدن است... شاعر باید در جامعهٔ خود سدی در برابر انحراف از انصاف و تهاجم سلطهٔ جهل و ستمگری باشد و با منطق اندیشه با آنها مقابله کند (براهنی، ۱۳۷۱: ۶۷).

صفارزاده در مجموعهٔ سفر پنجم جنبه‌های مذهبی و دینی شعرش را گسترش می‌دهد و به جنبش‌های آزادی خواهانه توجه ویژه نشان می‌دهد و نوع بیانش نیز گاه آن را به لحن گفتاری نزدیک می‌کند؛ اما تسلطش بر کلام، نمی‌گذارد لحن سخنش متغیر شود و چند صدایی از سخنش شنیده شود.

## لحن در شعر صفارزاده

سیاری از اندیشه‌هایی که در حیطهٔ شعر مجال بروز می‌یابند، اندیشه‌هایی هستند که



با دو جهان در ارتباطند، از یک طرف جهان هستی و از طرف دیگر جهان درونی شاعرو حس و تجربه‌هایش (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۶). شعرا جهت بیان این نوع اندیشه‌ها باید از زبان عاطفی و لحن مناسب بیان اندیشه‌ها استفاده کنند تا مقصود را برسانند و چون «وظیفهٔ زبان عاطفی، تجسم بخشیدن و نشان دادن عواطف و احساسات شاعر است نسبت به آن چیز» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۲)، شاعر نسبت به آن اندیشه‌ها باید از عواطفی عمیق برخوردار باشد. پس شعرا هرآنچه را در شعر مطرح می‌کنند، برگرفته از عواطف و اندیشه‌های شان است که با زبانی ادبی و لحنی مناسب و در قالبی آهنگین آن را بیان می‌کنند.

یکی از انواع اندیشه و عواطف شعری که ریشه در اعتقاد راسخ سراینده‌اش دارد، اعتقادی که برخاسته از آگاهی کامل نسبت به آن است، شعر مذهبی است. شعری که در فکرات حق هستند، ناگزیر به سمت مذهب روی می‌آورند. دین «به یک معنا، دنبالهٔ تمایل فطری انسان به تفکر جدی پیرامون موضوعات بسیار مهم دینی است که به تفکر فلسفی دربارهٔ دین می‌انجامد» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۰).

در شعر فارسی بعد از دورهٔ مشروطه مهم‌ترین محتوایی که رو به شعر آورد، شعر سیاسی - اجتماعی بود؛ در این دوره «اخلاق مرادف می‌شود با جانب‌داری از عدالت و آزادی و نکوهش استبداد» (جیمز گریس، ۱۳۶۳: ۳۲)، اما شعرا جهت بیان این‌گونه مسائل سبک خاص خود را به کار می‌گیرند. یکی از این شاعران طاهره صفارزاده است که در قالب بیان مسائل مذهبی سعی می‌کند از مسائل اجتماعی و... صحبت کند. به واقع «شعر طاهره صفارزاده، بازگرداندن شرافت پرسش از وجود است به شعر، و این تنها نقطه‌ای است که به شعر ماندگاری می‌بخشد؛ چرا که این پرسش، پرسش ابدی انسان است» (رفیعی، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

صفارزاده به عنوان روشنفکر جامعهٔ ایرانی سعی می‌کند مطالبی که مطرح می‌کند، براساس کمبود جامعه انتخاب کند؛ نه براساس حساسیت خود و به واقع کار اصلی روشن‌فکر نیز همین است (شریعتی، ۱۳۵۷: ۲). مذهب در شعر صفارزاده آن قدر گسترده است و با مضامین گوناگون پیوند خورده است که از وی شاعری مذهبی در تمامی ابعاد را معرفی می‌کند. این شخصیت به واقع شخصیت من انسانی اوست که وی را به عنوان انسانی تولیدکنندهٔ اندیشه معرفی می‌کند. این انسان سرمشقی است برای

کسانی که نمی‌خواهند براساس اندیشه‌های وارداتی زندگی کنند؛ بلکه می‌خواهند خودشان فکر کنند و بفهمند و این یعنی بازگشت به خویشتن.

صفاًرزاده به خوبی آگاه است که گاه در عرصه فرهنگی دشمن به تجاوزهایی دست می‌زند. روشن است که مجاهدان این میدان نویسندگان، شعرا، روشن‌فکران متعهد و... هستند که با سلاح قلم و دانش به جنگ با آنها می‌پردازند. او کاملاً به این امر واقف است که تحقق دین در جامعه جز در پرتوهدایت و راهنمایی رهبری آگاه امکان‌پذیر نیست و این «رهبری ارزشی» بعد از پیامبر در ائمه تبلور می‌یابد (کمالی نهاد، ۱۳۹۳: ۲۶۵). بنا به اهمیت این رکن اساسی، لحن اشعاری از دفاتر شعری صفاًرزاده به ترسیم و توصیف فضاهای مذهبی اختصاص یافته و در بیان عظمت ائمه و سختی‌های راه شریعت آمده است. این فضا سازی در خصوص توصیف حضرت مهدی موعود علیه السلام، انتظار، ظهور و مسائل مرتبط با آن منجی موعود بسیار پررنگ است: در ولادت امام حسن عسکری علیه السلام؛

آن پارسا پدر / آن پدر برترین پسر / از برترین تبار / در تلاوت قرآن / هماره زندانی بود / در خانه / در شهر / در هوای آزاد / و در محاصره میله‌ها / زندانبان‌ها (صفاًرزاده، ۱۳۸۴ ج: ۱۳).

طاهره شاعر روش فکر مذهبی است. او با زبان احساسات خاص خودش که سرشار از واژه‌های دینی است، جامعه‌ای آرمانی را در ذهن خود دارد که در آن، همه در ایوانی از برابری و داد با هم قرار دارند:

صدای ناب اذان می‌آید / صدای خوب بلال / و او به سوی نمازی عظیم می‌آید / و ما همه با او / با سلمان / در ایوان / ایوانی از برابری و داد (همان: ۲۳۱-۲۳۲).

و چشم‌های منتظرش همیشه رنگ امید و رسیدن به جامعه آرمانی را دارد: رفتن به راه می‌پیوندد / و چشم‌های منتظر رهروان / همیشه رنگ رسیدن دارند / و جلوه‌های رسیدن / یعنی نجات عینی ستم‌زدگان (همان: ۳۴۳).

صفاًرزاده در این شعر برای این که بتواند فضایی معنوی و مذهبی با محوریت انتظار بسازد از کلمات و ترکیبات: چشم‌های منتظر / رنگ امید / رنگ رسیدن / نجات عینی ستم‌زدگان به طوری هوشمندانه و دقیق بهره برده و با این وام‌گیری از ترکیبات زیبا به شعرش فضایی مذهبی و لحنی دینی بخشیده است.

آرمان‌گرایی اش جنبه دینی و مذهبی دارد؛ او منتظر است؛ منتظر همانی که همه

مسلمانان جهان منتظرش هستند؛ حضرت مهدی علیه السلام و دنیایی آرمانی که با ظهور او خواهیم داشت:

زمین / در جمع منتظران ایستاده است / پیدایش درستی وعده / پیرو قرائت امر است / در عصر آخرین / سردار امن و امان / بنا به امر / از پایگاه کعبه / از مرز گسترش ارض (همان: ۸۹۷).

همیشه منتظرت هستم / بی آن که در رکود نشستن باشم / همیشه منتظرت هستم / چونان که من / همیشه در راهم / همیشه در حرکت هستم / همیشه در مقابله / تو مثل ماه / ستاره / خورشید / همیشه هستی / و می درخشی از بدر / و می رسی از کعبه / و ذوالفقار را باز می کنی / و ظلم را می بندی / همیشه منتظرت هستم / ای عدل وعده داده شده / این کوچه / این خیابان / این تاریخ / خطی از انتظار تو را دارد / و خسته است / توناظری / تومی دانی / ظهور کن / ظهور کن که منتظرت هستم / ظهور کن که منتظرت هستم (همان: ۸۹۹).

این شعر صفارزاده به واسطه بهره مندی وی از آبشخور مذهب و اعتقاد اسلامی، فضایی کاملاً مذهبی دارد. و لحن به کار رفته در این شعر که انتظار منتظران حضرت مهدی علیه السلام را هنرمندانه به رشته تحریر درآورده، لحن مذهبی است. شاعر از عناصر مذهبی برای شکل گیری فضا در این شعر و بیان حال منتظران بهره مند شده است: تومی بینی / تو بهتر از همیشه / ذات حقیقت را می بینی / بر صعب / او سوار می آید / در رعد و برق / بر صعب او سوار می آید / خورشید حضرت ثارالله / در صبحگاه وعده / آماده بر آمدن است (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۵۵۷).

شاعر در این شعر از عناصر مذهبی همچون: ذات حقیقت، حضرت ثارالله، صبحگاه وعده و آمدن (اشاره به موعود) برای جلادادن به فضای شعری خویش استفاده کرده است؛ به عبارتی دیگر با این بن مایه ها که بر شمردیم، فضای حاکم بر این شعر را با لحن مذهبی و مضامین دینی ایجاد کرده است و از دیگر زمینه های ترسیم این فضا در سخن صفارزاده و از فضاهای انتظار و احوال منتظران:

در منتهای صبر و ستیز / تمام ماه های تحمل / تمام سال های ارادت / تمام منتظران / دل بسته اند اندر روز روشن موعود / به روز جمعه دیدار (همانجا).

صفارزاده با آوردن کلمات و عباراتی همانند: منتهای صبر، ماه های تحمل، سال های

ارادت، موعود و جمعه دیدار به خوبی توانسته است با کمک لحن مذهبی و دینی، فضای انتظار و امید به ظهور منجی و موعود مذهبی را ترسیم نموده و شعر را سرشار از عناصر و واژگان این حوزه نماید.

باور به منجی یکی از عقایدی است که در برخی ادیان چون اسلام و به ویژه در تفکر شیعی به صورت چشمگیری دیده می شود. در این باور ظهور منجی بشارتی از ظهور دورانی از عدل و آزادی و برابری برای تمامی مردم جهان است. از این رو در اشعار صفارزاده نیز که یکی از معتقدان راستین به مذهب تشیع است، باور انتظار تجلی روشنی دارد و حضور امام زمان در اشعار این شاعر نمادی از «آزادگی و برقراری صلح و دوستی» است:

دل بسته اند / به روز روشن موعود / به روز جمعه دیدار / نام تو جمعه است ای بهترین  
 اهل زمان / ای بهترین اهل زمین / ای یار / ای خجسته ترین صبح انتظار (صفارزاده،  
 ۱۳۸۶: ۱۳۶).

ترکیبات مذهبی چون: روز موعود، جمعه دیدار، بهترین اهل زمان، بهترین اهل زمین، صبح انتظار که سرشار از عناصر آئینی هستند، به صفارزاده این امکان را بخشیده که فضای این شعر را آئینی و لحن آن را مذهبی کند:

تونمی آیی و قلب کوچه / پاسبانی تنهاست / و سکوتی عایق / به اب پنجره هاست /  
 تونمی آیی و شب / می گذارد آرام... / تونمی آیی و من / مثل یک میوه کال / و نخستین  
 دم یک دیدار / به سرانجام می اندیشم (همان: ۳۰).

در این شعر صفارزاده با لحنی مذهبی غم انتظار منتظران را ترسیم کرده، و با زبانی نرم و صمیمی به شرح فراق پرداخته است. آوردن کلمات و ترکیباتی همچون: تونمی آیی، سکوت، میوه کال، نخستین دم دیدار، سرانجام. و با بهره گیری از عناصر زیبایی سخن، هنرمندانه فضای شعر را معنویت خاصی بخشیده و لحن سخن خویش را با آنها آراسته است. با دقت در این شعر تاثیر لحن را به وضوح مشاهده می کنیم:

چشمم به راه روز سپیدی نشسته / روزی که پر بود همه از لحظه های فتح / آن روز دور  
 نیست / آن گاه آن زمان / با دست شوق / طبال سینه کوفتن آغاز می کند / تا پرچم مراد تو  
 گیرد ره فراز (همان: ۴۷).

در کنار هم قرار گرفتن ترکیبات: چشم به راه، لحظه های فتح، دست شوق، پرچم مراد

که جملگی حول محور انتظار می چرخند، این امکان را به شاعر داده که لحنی مذهبی ایجاد کرده و فضایی معنوی بسازد تا خواننده را مجذوب کلام خویش کند، در واقع می توان گفت فصاحت و بلاغتی که در این شعر دیده می شود، حاصل تأثیر لحن بر متن است:

اکنون زمین ذخایر خود را برون فرستاده / سفیانیان تمام جهان را گرفته اند / دانش همچون تباهی / همچون ظلم / به اوج خود رسیده / دانش همچون شرف / همچون عقیده / همچون فنون رایج خردورزی / در معرض خرید و فروش است (صفارزاده، ۱۳۸۴ ب: ۱۴۶).

صفارزاده با اشاره به قیام سفیانی (که در باور شیعی خروج سفیانی از نشانه های قطعی ظهور است) و ترکیباتی همانند: دانش همچون تباهی، شرف، عقیده و... به شعر خویش فضایی معنوی بخشیده، که ظهور منجی را می طلبد، در واقع نوعی اعتراض به ظلم و ستم داشته، و راه حل آن را وجود حضرت مهدی علیه السلام می داند. صفارزاده چه زیبا به حوادث تاریخی پرداخته، به نحوی که این فضای معنویت مدیون لحن مذهبی در کلام وی است:

گاه خروج سفیانی / در روی ارض / تعداد مطمینه قلیل است / فرمانبران شیطان / اماره پرورند / خود پرورند (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۴۷).

در این شعر صفارزاده باز با تلمیح به خروج سفیانی به نشانه اعتراض به حکام ستمگری که به دنبال هوای نفسانی و تکبر و خودکامگی هستند، داد سخن داده، و منتظر ظهور حضرت می باشد، کلامی سرشار از معنویت با تأثیر لحن مذهبی چنان دلنشین و گوشنواز شده، که مخاطب را به فکر فرو می برد:

ای بهترین اهل زمان / ای بهترین اهل زمان / او در نماز ایستاده / بر پاره حصیر / در پایگاه آسمانی سرداب / حصیر روی دامن آب است / و آب محور حضور است / و آب بیهوش است / و نهر مانده ز رفتار / آن نهر جاری ساکن / مجذوب ایستاده / منتظر یار / از پایگاه آسمانی سرداب / او چیره می شود / به همهمه ماه / و ماه که می آید / بر کتف خویش / سجاده ای برای زمین دارد... به روز روشن موعود / به روز جمعه دیدار / نام تو جمعه است / ای بهترین اهل زمان / ای بهترین اهل زمین / ای یار / ای خجسته ترین صبح انتظار.

صفارزاده هنرمندانه و با کلامی شیوا در این شعر با استفاده از عنصر تکرار، و ریتم دل‌انگیز و لحن مذهبی به ساخت فضایی معنوی همت گماشته، به توصیف امام زمان علیه السلام و اشاره به روز موعود که بهترین زمان برای منتظران است، تصویری از حضرت را در ذهن منتظران حک کرده، به گونه‌ای که با این لحن مذهبی فاخر بذر امید را در دل مخاطبان کاشته است:

بیداری / شب هرگز این همه بیداری در پی نداشته / شب هرگز این همه بیداری در خود نداشته / ای روح ضد خواب / ای روح دادگستر الله / تو پیش‌تاز همه گردانی / تو گرد رسولانی / در عصر و سوسه و آز / عصر توافق آدم‌کشان / عصر تبانی طرازان / رشوه‌گران و شب‌طلبان / در شب‌ترین شب تاریخ / تو مشرق تمام جهانی / و پرده‌ای در میان تو و آفتاب نیست / و حرکت تو حرکت روز است / آزاد و پرتوان بی‌اذن و بی‌دخالت ماموران / و خطه‌های متحد جهان / باغ اقامت جاوید توست / باز آ، باز آ ای حق آشکاره و تبعیدی / ای رهبر رموز رهایی باز آ / که چون تو باز بیایی / باطل خواهد رفت (صفارزاده، ۱۳۸۸: ۲۱۷).

صفارزاده در این شعر به توصیف حضرت پرداخته، و در ادامه با لحن مذهبی جامعه و مشکلات آن را نیز توصیف نموده، به وضوح دیده می‌شود آن چیزی که به فضای شعری وی در این جا جلا بخشیده و شعرویی را مقبول منتظران ساخته، لحن کلام است که رویکردی مذهبی و معنوی دارد، گویی که زبان حال مخاطبان می‌باشد:

ما تشنگان قسط و عدالت ما مردمان زمان / منتظر آن سقا هستیم / که چون قیام کند / سقای کربلارا / همراه قافله رجعت با خود می‌آورد / ما تشنگان قسط و عدالت / هماره منتظریم (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۸۵).

این شعر که شرح حال منتظران امام زمان علیه السلام بوده، فضایی کاملاً معنوی و سرشار از ارادت مریدان حضرت می‌باشد. لحن مذهبی این شعر فضایی کارآمد و ساحتی معنوی ایجاد کرده است. تا حرف دل عاشقان به ظهور را با کلامی دلنشین گفته باشد:

خرد که هدیه موعود است / از سوی خالق یکتا / از سوی خالق یکتا / به پیش قدم برمی‌دارد / و صلح / به دنبال آن به راه می‌افتد (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۲۶).

صفارزاده در این جا با محور قرار دادن موعود و بهره‌گیری از کلام معنوی به واسطه لحن مذهبی به منتظران نوید موعود و پیامدهای ظهور را بیان می‌کند. در تمامی عبارات این

شعر فضایی معنوی که تأثیر یافته از لحن مذهبی شاعر است دیده می‌شود. این فضا نشان می‌دهد که صفارزاده شاعری دینی است.

### نتیجه‌گیری

لحن شیوه بیان هر شخصیت است که بیانگر تجربیات شخصی، اجتماعی و روحیات و عواطف درونی اوست. بنابراین لحن بیشتر با عواطف سروکار دارد و مخاطبان از طریق لحن کلام گوینده متوجه می‌شوند او چه رفتار احساسی‌ای به آنان دارد. لحن از عوامل و مؤلفه‌هایی است که شاعر از آن در انتقال عاطفه و تجربیات خویش بهره می‌برد. شاعر برای این که بتواند همان احساس یا تجربه‌ای را که به او دست داده، به مخاطب منتقل نماید یا همان انتظار عاطفی را که از مخاطب دارد، بدان برسد، از لحن بهره می‌برد. می‌توان گفت: لحن برجستگی از احساسات و عواطف است که گوینده بر کلام خود می‌زند. توفیق گوینده زمانی حاصل می‌شود که بتواند لحن مناسب برای موضوع کلام خود برگزیند. در گفتار، لحن با تغییر صدا، مکث‌ها و کشش‌ها و... تجلی پیدا می‌کند؛ اما در نوشتار، فقط کلمات و البته نشانه‌های نوشتاری اند که لحن شخصیت‌ها را منتقل می‌کنند. به بیان دیگر، «وقتی گوینده با کم و زیاد کردن صدا، تند و کند گفتن عبارات و مکث‌های به‌جا، شنونده را از پرسشی، عاطفی یا امری بودن جملات و غم، شادی، حسرت و نفرت آفریننده متن به چیزی مطلع کند»، از لحن استفاده کرده است. تن صدا نیز با نوع لحن ارتباطی مستقیم دارد. آن چیزی که در اشعار صفارزاده که مورد بحث این پژوهش بود، دیده می‌شود، این است که وی شاعری دینی بوده و به مانند بسیاری از شاعران پس از انقلاب اسلامی در قالب شعر ارادت خویش را به امام زمان علیه السلام نشان داده، و به خوبی با استفاده از عناصر زیبایی سخن و نیاز مخاطبان، از لحن مذهبی برای ساخت فضای شعری بهره برده، که نمود آن را در متن مقاله با آوردن شاهد مثال‌هایی راجع به انتظار به بحث و بررسی گذاشته، و نشان دادیم که این شاعر گرانسنگ با ارادتی که به این امام همام داشته، فضای سخن خویش را با تأثیری که از لحن مذهبی گرفته، معنوی ساخته است. لحن مذهبی با محتوای انتظار و با بهره‌گیری از مترادفات انتظار و شرح مختصر آن به صفارزاده این قدرت را بخشیده که در دل منتظران نفوذ کرده و آنها را بیش از پیش ارادتمند مهدی موعود علیه السلام گرداند. صفارزاده در

مجموعه سفر پنجم جنبه‌های مذهبی و دینی شعرش را گسترش می‌دهد و به جنبش‌های آزادی خواهانه توجه ویژه نشان می‌دهد و نوع بیانش نیز گاه آن را به لحن گفتاری نزدیک می‌کند؛ اما تسلطش بر کلام، نمی‌گذارد لحن سخنش متغیر شود و چند صدایی از سخنش شنیده شود.

صقارزاده به خوبی آگاه است که گاه در عرصه فرهنگی دشمن به تجاوزهایی دست می‌زند. روشن است که مجاهدان این میدان نویسندگان، شعرا، روشنفکران متعهد و... هستند که با سلاح قلم و دانش به جنگ با آنها می‌پردازند. او کاملاً به این امر واقف است که تحقق دین در جامعه جز در پرتو هدایت و راهنمایی رهبری آگاه امکان پذیر نیست و این «رهبری ارزشی» بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ائمه علیهم السلام تبلور می‌یابد. مذهب در شعر صقارزاده آن قدر گسترده است و با مضامین گوناگون پیوند خورده است که از وی شاعری مذهبی در تمامی ابعاد را معرفی می‌کند. این شخصیت به واقع شخصیت من انسانی اوست که وی را به عنوان انسانی تولیدکننده اندیشه معرفی می‌کند. این انسان سرمشقی است برای کسانی که نمی‌خواهند بر اساس اندیشه‌های وارداتی زندگی کنند؛ بلکه می‌خواهند خودشان فکر کنند و بفهمند و این یعنی بازگشت به خویشتن. طاهره شاعر روش فکر مذهبی است. او با زبان احساسات خاص خودش که سرشار از واژه‌های دینی است، جامعه‌ای آرمانی را در ذهن خود دارد که در آن، همه در ایوانی از برابری و داد با هم قرار دارند.

## منابع

### قرآن کریم

۱. احمدی، پگاه (۱۳۸۴)، شعر زن از آغاز تا امروز، تهران: نشر چشمه، اول.
۲. براهنی، رضا (۱۳۷۱)، طلا در مس، تهران: نشر نویسنده، اول.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، دین شناسی، قم: اسراء.
۴. جیمز گریس، ویلیام (۱۳۶۳)، ادبیات و بازتاب آن، ترجمه: بهروز عزب دفتری، تهران: آگاه.
۵. داد، سیما (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید، چهارم.
۶. دوستی، فرزانه (۱۳۹۱)، «شاعرانگی فضا در "من ژانت نیستم" با نگاهی به مفهوم "مکان‌کاوی" گاستن باشلار»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۶۷ (پیاپی ۱۸).
۷. ذوالفقاری، محسن (۱۳۸۱)، از زهره تا بامداد خمار (شیوه‌های نقد ادبی در ایران - نقد نظری و



- نقد عملی)، اراک: انتشارات دانشگاه اراک، اول.
۸. رفیعی، علی محمد (۱۳۸۶)، بیدارگری در علم و هنر، تهران: هنر بیداری.
  ۹. شریعتی، علی (۱۳۵۷)، بازگشت، تهران: حسینیه ارشاد.
  ۱۰. شریعتی، علی (۱۳۵۷)، تکیه به مذهب، تهران: میقات.
  ۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه، سوم.
  ۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.
  ۱۳. صفارزاده، طاهره (۱۳۶۶)، مجموعه اشعار طاهره صفارزاده، تهران: پارس کتاب.
  ۱۴. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴ الف)، دفتر پنجم، تهران: پارس کتاب، پنجم.
  ۱۵. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴ ب)، دیدار صبح، تهران: پارس کتاب، دوم.
  ۱۶. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴ ج)، روشنگران راه، تهران: برگ زیتون.
  ۱۷. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۶)، در پیشواز صلح، تهران: هنر بیداری، دوم.
  ۱۸. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۸)، طنین بیداری، تهران: تکا.
  ۱۹. صفارزاده، طاهره (۱۳۹۱)، مردان منحنی، شیراز: نوید.
  ۲۰. طاهری، حمید؛ رحمانی، مریم (۱۳۹۰)، «تصویر شعر سپید»، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم.
  ۲۱. علیپور، مصطفی (۱۳۸۰)، ساختار زبان شعر امروز، تهران: فردوسی، دوم.
  ۲۲. عمرانپور، محمدرضا (۱۳۸۶)، «اهمیت عناصر و ویژگی های ساختاری واژه در گزینش واژگان شعر»، گوهرگویا، دوره ۱، شماره ۱.
  ۲۳. فتاحی، حسین (۱۳۸۶)، داستان گام به گام، تهران: صریر، اول.
  ۲۴. فرشته حکمت، فرشاد (۱۳۸۹)، «فضاسازی شاعرانه در اثر هنری»، باغ نظر، شماره ۱۵، سال هفتم.
  ۲۵. کمالی نهاد، علی اکبر (۱۳۹۳)، «فضا و مؤلفه های سازنده آن در شعر انقلاب اسلامی»، پایان-نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک.
  ۲۶. کمالی نهاد، علی اکبر (۱۳۹۶)، مهارت خواندن در آموزش زبان فارسی، اراک: نگار کمال، دوم.
  ۲۷. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۵)، بدیع از دیدگاه زیباشناسی، تهران: سمت، دوم.